

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث راجع به نکاتی بود که درباره پرسش های گذشته مطرح بود.

نکته ششم: مربوط می شود به کلام میرزای قمی؛ اگر سخن میرزا ثابت شود ثمره زیادی در استنباط دارد و اگر رد شود هم خیلی موثر است؛ در گذشته فی الجمله با این کلام آشنا شده اید؛ خلاصه کلام ایشان: مقصودین بالافهام خطابات در حقشان حجت است اما غیر مقصودین خطابات برایشان حجت نیست و ما هم چون در زمان خطابات معدوم نبودیم لذا خطابات در حق ما حجت نیست مگر اینکه از قاعده اشتراک معدومین و موجودین استفاده کنیم؛ مرحوم آخوند هم در کلام کوتاهی فرمود لا فرق بین مقصودین بالافهام و غیر مقصودین مثلاً: پدری با همسرش در مورد فرزندش صحبت می کند و می خواهد بچه نفهد اما بچه از طریقی فهمید آیا می شود بچه بگوید که چون من مقصود بالافهام نبوده ام پس به حرف پدر گوش نمی دهم و... .

برای اینکه پژوهش موفقی داشته باشیم باید به سراغ کلام میرزای قمی برویم و آن کلام را از خود میرزا اخذ کنیم. مرحوم میرزا در دو موقع، در بحث عام و خاص و در بحث حجیت قرآن در کتاب قوانین می فرماید؛ خطابات قرآن مثل (یا ایها الذین آمنوا) برای مشافهه است اما برخی خطابات برای مشافهه نیست مثل (لله علی الناس حج البیت) ایشان پس کلامش در خطابات غیر مشافهه نیست؛ ایشان می فرماید خطابات مشافهه آیا شامل موجودین در زمان خطاب می شود فقط یا نه شامل من تاخر هم می شود؛ ایشان سه گزینه مطرح می کند.

1: این خطابات حقیقتاً آیندگان را هم می گیرد.

2: یا ایها و مثل یا ایها وضع نشده برای اعم اما اگر در قرآن وحی آمده باشد مجازاً آیندگان را هم می گیرد.

3: این خطابات من کان معدوما زمان خطاب را نمی گیرد نه حقیقتاً و نه مجازاً.

بعد ایشان می فرماید: حق هم قول آخر است.

بعد سوال مطرح می شود که آقای میرزای قمی شما میخواهید بگویید آیندگان تکلیفی نسبت به یا ایها الذین آمنوا و... ندارند؛ ایشان می فرماید: ما اصلی به نام اشتراک معدومین و موجودین داریم و این اصل مورد پذیرش همه است. حلال محمد حلال الی یوم القيامة و... .

یک رندی سوال می پرسد آقای میرزا پس تحقیق شما چه ثمری دارد؟ عملاً حرف شما هم مثل بقیه فقهاست؛ ایشان پاسخ می دهد: ثمره ی مهمی دارد؛ اگر ما گفتیم خطابات از اول شامل ما می شود وقتی ما مورد خطاب احل الله البیع و... شدیم لازم نیست برویم و ببینیم 1400 سال قبل چه چیزی را بیع می گفتند و ما اصطلاح الان را معیار قرار می دهیم؛ جالب این است که اگر اصطلاح ما با آنها هم فرق می کرد ما باید اصطلاح خودمان را اخذ کنیم؛ اما اگر بگوییم خطاب برای ما نیست برای اجداد ماست باید بگردیم ببینیم زمان خطاب معنای بیع و... چه بوده است و به اصولی مثل عدم نقل، عدم سقط و... تمسک کنیم.

استاد علیدوست: دوستان کلام آقای میرزا این بود که مطرح شد. نکته: آقای آخوند همین در این بحث میرزا را رد کرده و هم در جلد 1 کفایه میرزا را رد کرده است.

سوال: آیا ردّ مرحوم آخوند به کلام میرزای قمی می خورد یا نه؟ آیا میرزا در ظواهر می خواهد تفصیل قرار دهد بین مقصود بالافهام و غیر مقصود بالافهام؛ البته میرزا تعبیر مقصود بالافهام و غیر مقصود ندارد و ایشان تعبیر موجودین زمان خطاب و من تاخر عن الخطاب دارد.

ببینید دوستان، نوعاً کلام میرزا را ردّ کرده اند؛ مرحوم امام خمینی در انوار الهدایه می فرماید کلام میرزا یک صغری دارد و

یک کبری و صغری علیل است و کبری مریض؛ اما صغری ما مقصود بالافهام در خطابات نیستیم و کبری: هر کس مقصود بالافهام نیست خطابات در حق او حجت نیست؛ اما صغری درست نیست چون ما مقصود بالافهام هستیم و سلمنا فقط مراد مقصودین باشند اما غیر مقصود هم می تواند استفاده کند و این بناء عقلا است.

استاد علیدوست: فکر می کنم دقت لازم در کلام میرزای قمی نشده است و شاید علت هم این باشد که کلام میرزا طولانی است و این نقص برای کلام ایشان محسوب می شود.

الحمد لله رب العالمین